

علم أصول الفقه

١٦

اوامر ٢٧-٧-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

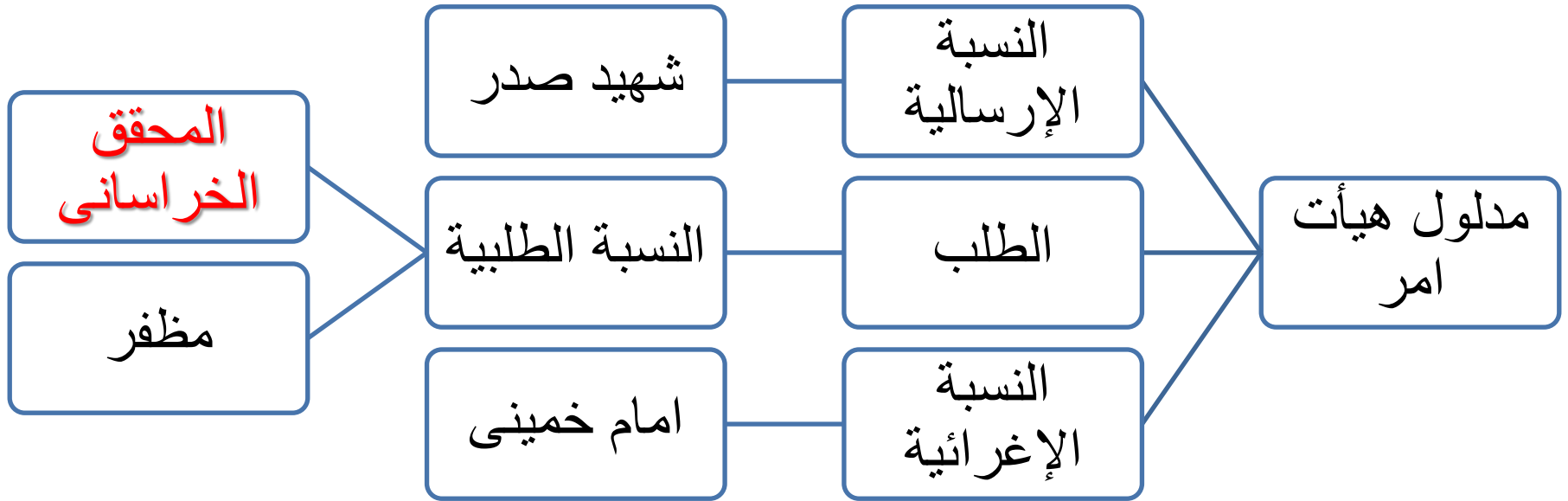


ماده

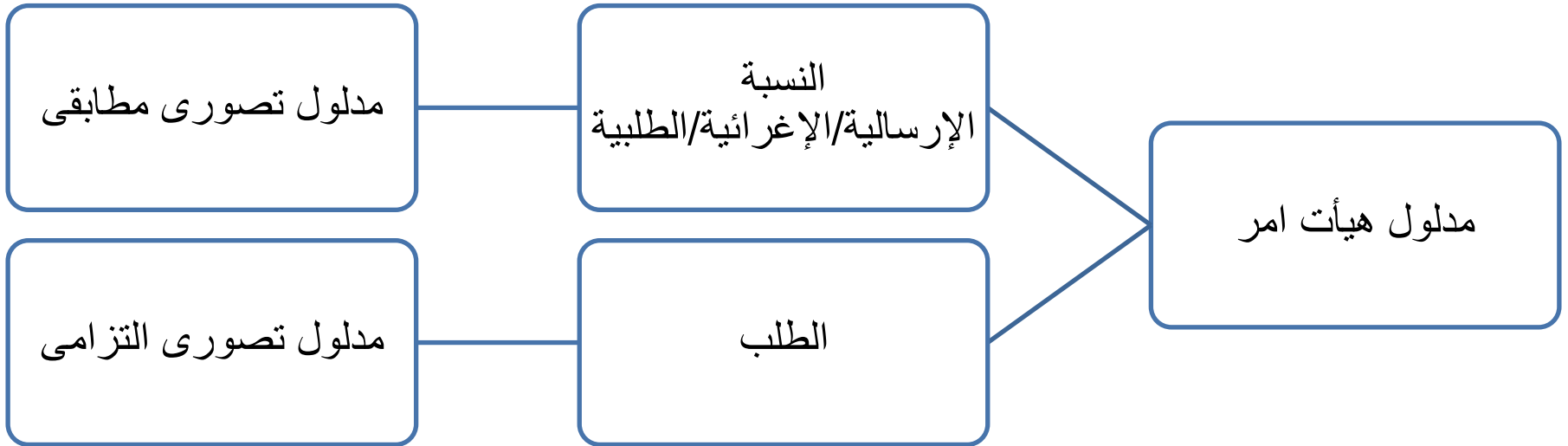
هيأت

امر

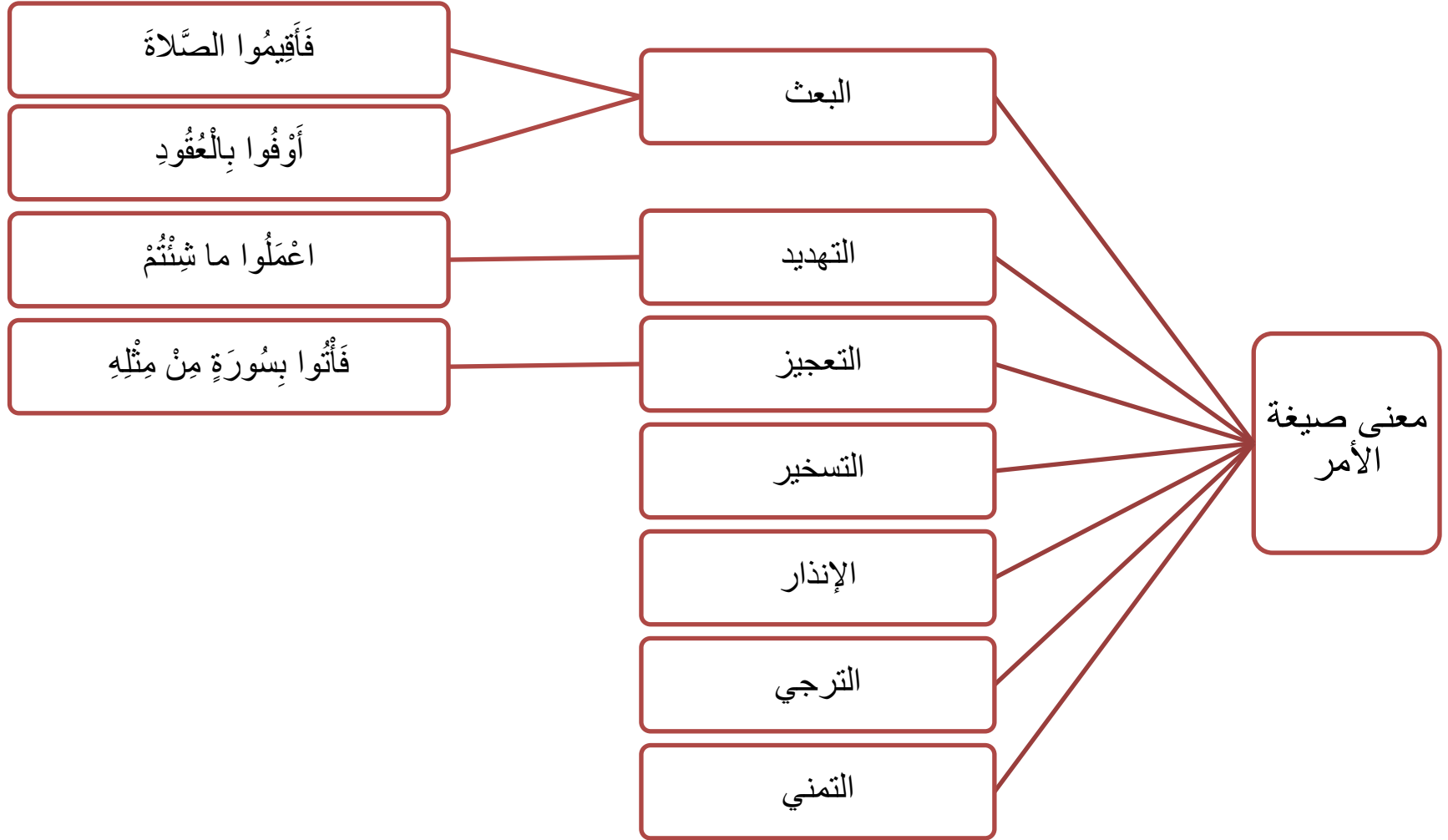
مدلول هيأت امر



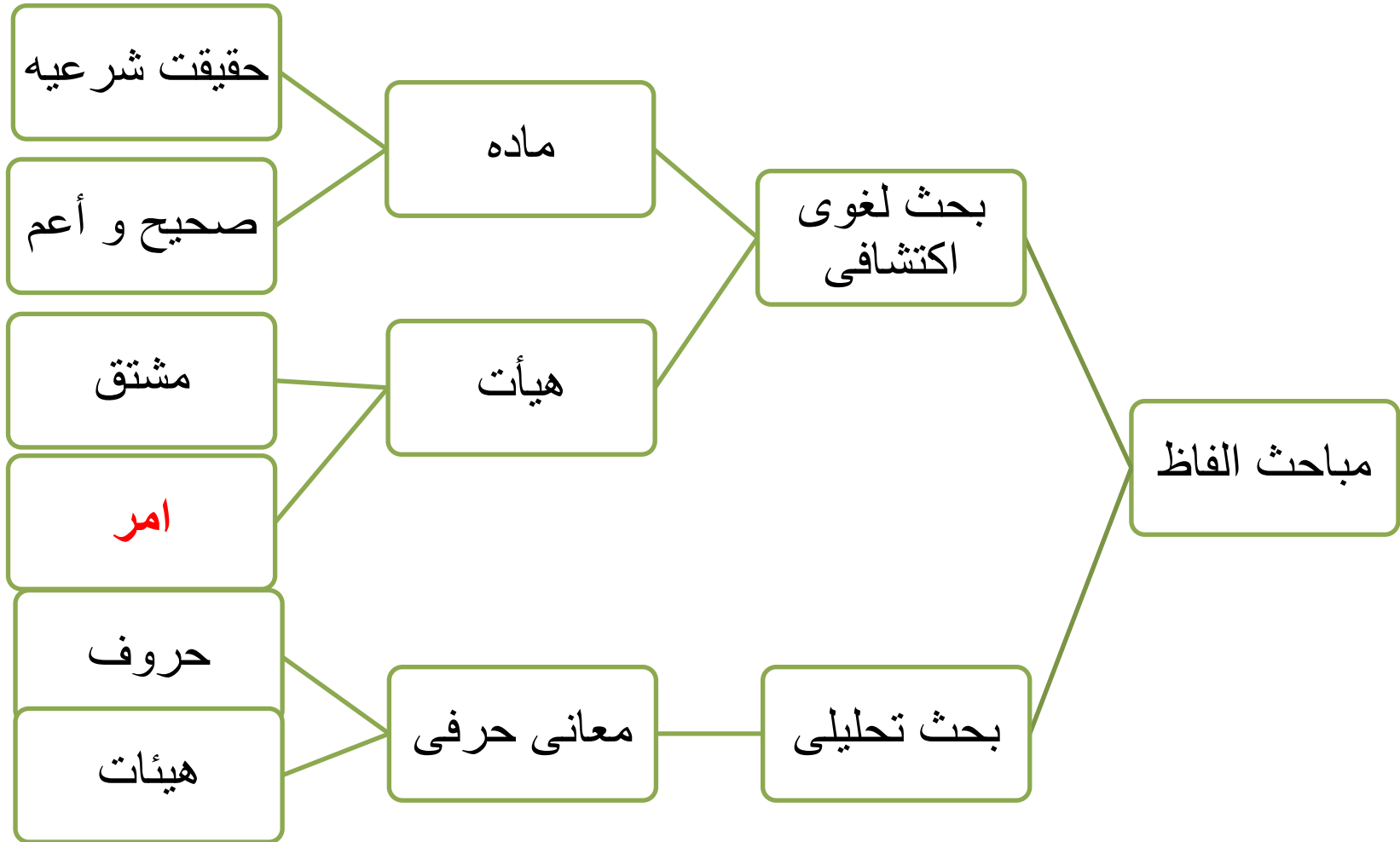
مدلول هيأت امر



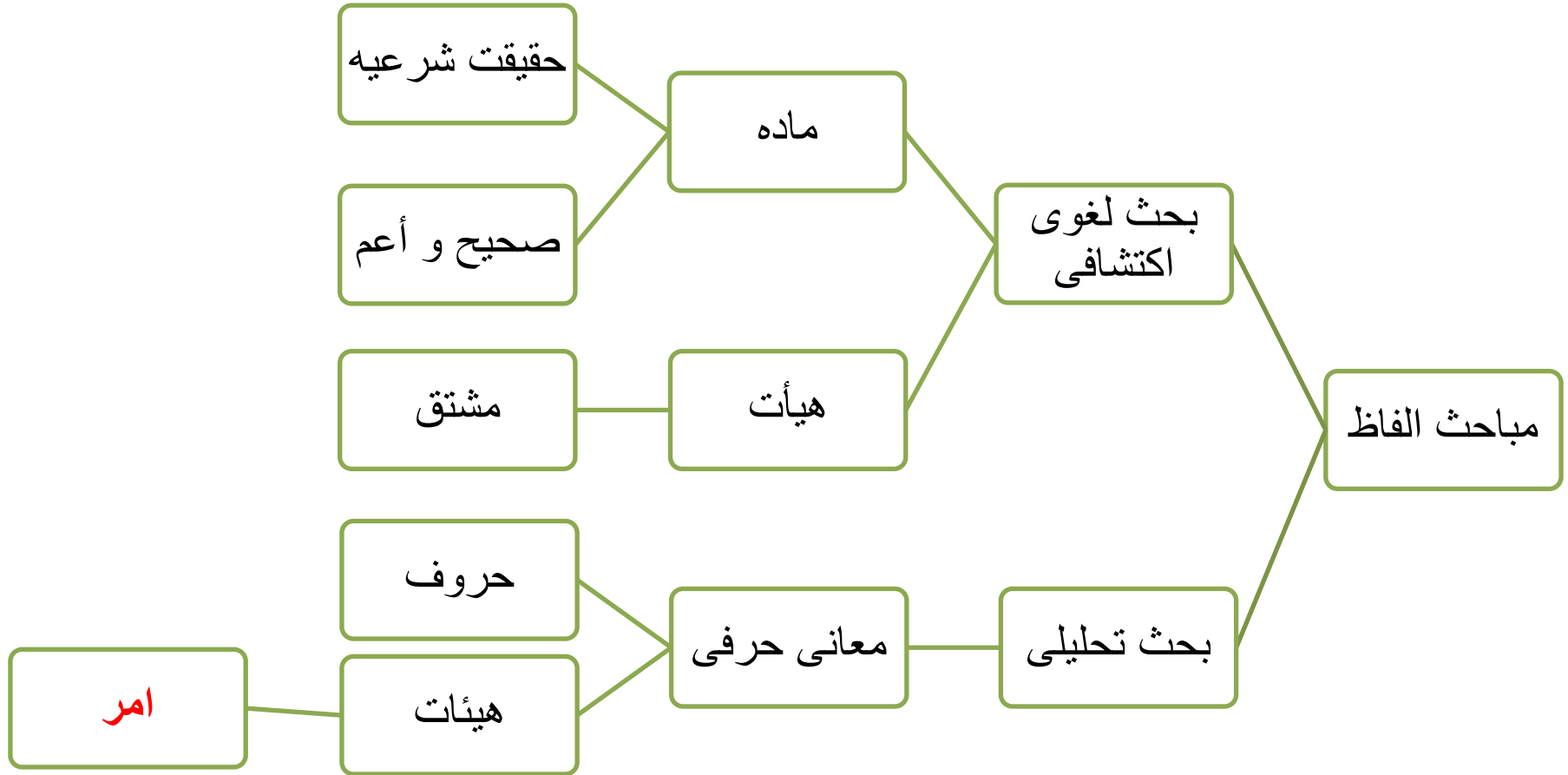
استعمال هيأت امر در غير طلب



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم
نائینی

حکم عقل به دلالت امر
بر وجوب

حضرت امام

حکم عقلا به دلالت امر
بر وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صيغة امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.

وضع

لزوم

اطلاق

منشأ ظهور

نظريه
مشهور

وضع صيغة امر برای
وجوب

آقا ضياء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور امر
در وجوب

تصوير
اطلاق

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور
امر در وجوب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

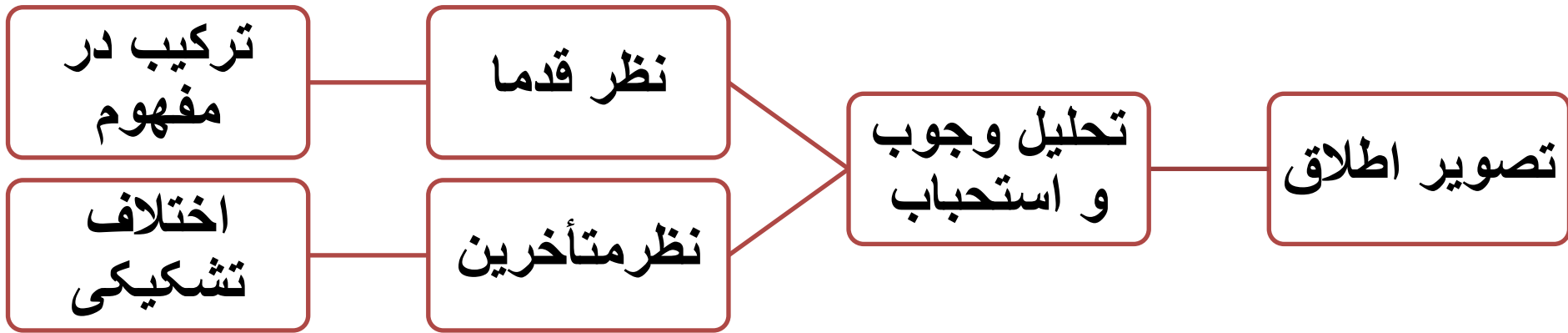
تحليل وجوب و
استحباب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

تحليل وجوب و
استحباب



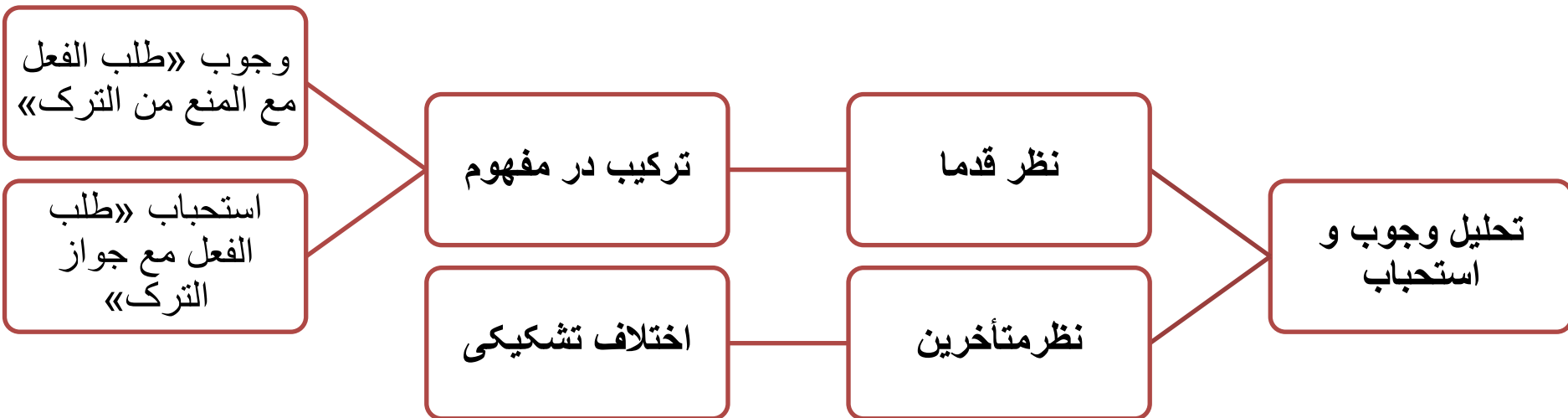
ترکیب در
مفهوم

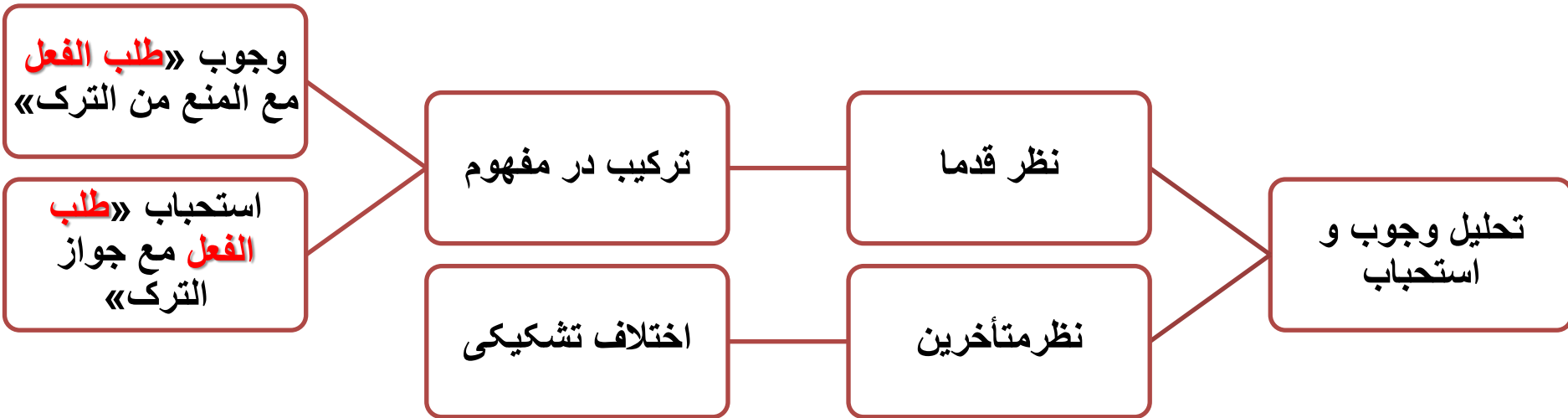
نظر قدما

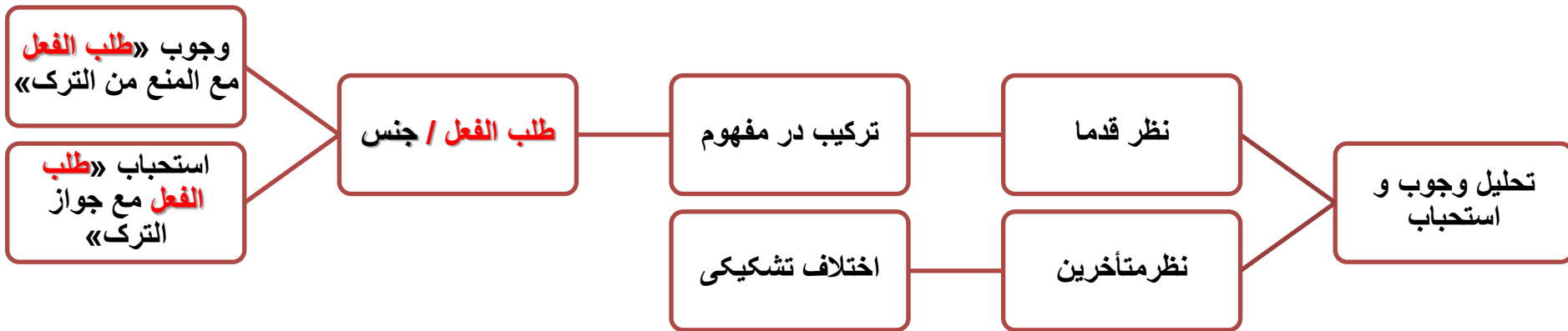
اختلاف
تشکیکی

نظر متأخرین

تحلیل وجوب
و استحباب







تحليل وجوب و
استحباب

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل مع جواز
الترك»

طلب الفعل / جنس

تركيب در مفهوم

نظر قدما

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

ترکیب در مفهوم

اختلاف تشکیکی

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

تركيب در مفهوم

اختلاف تشكيكي

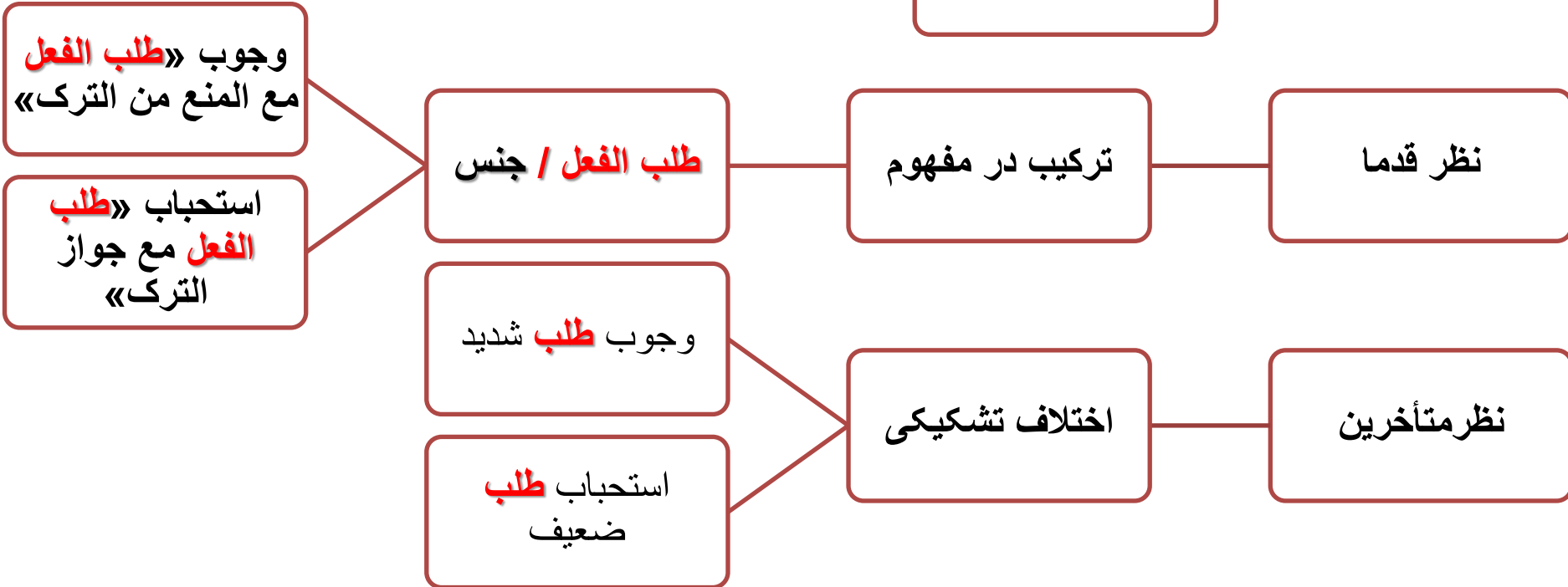
طلب الفعل / جنس

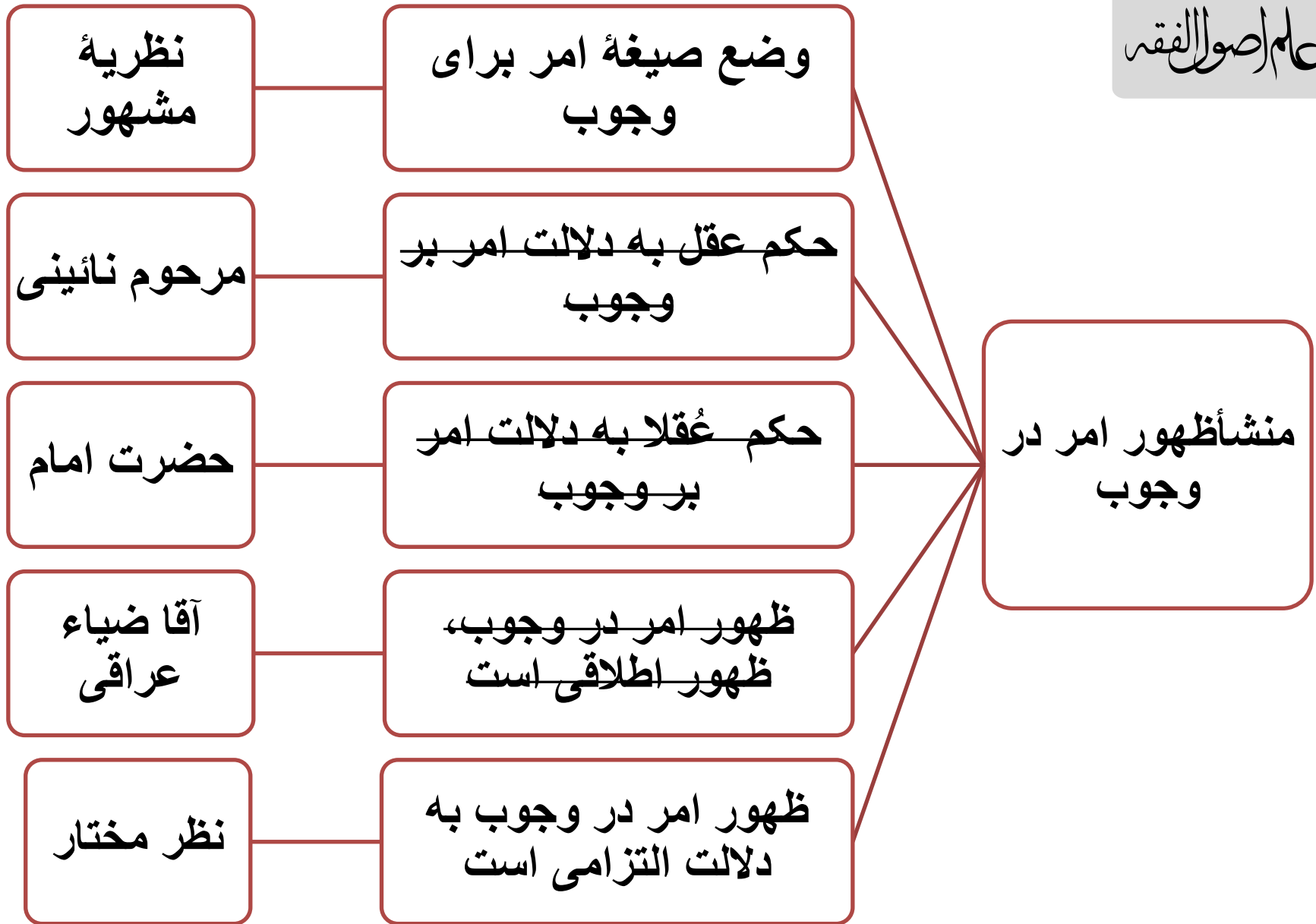
وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

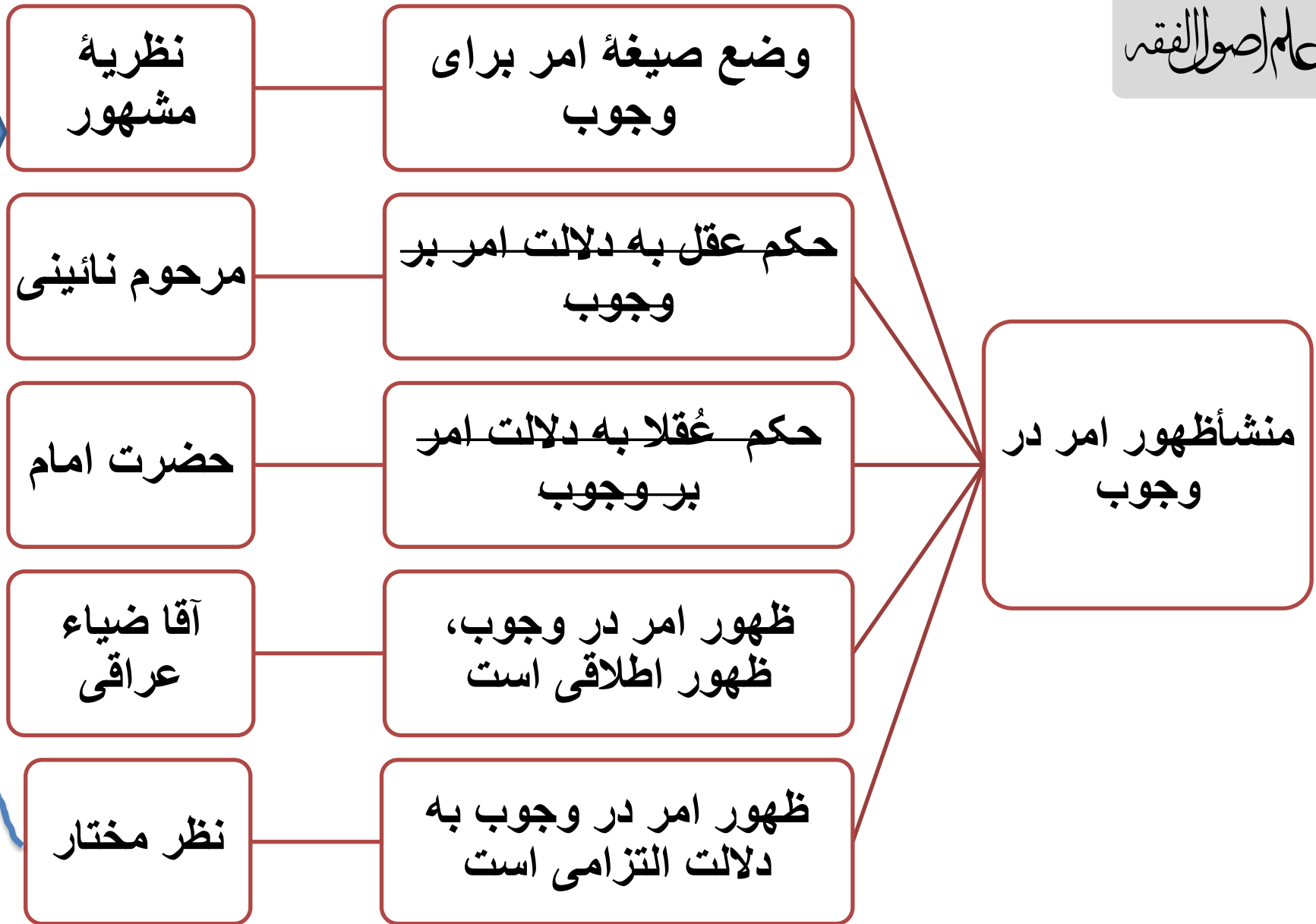
استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

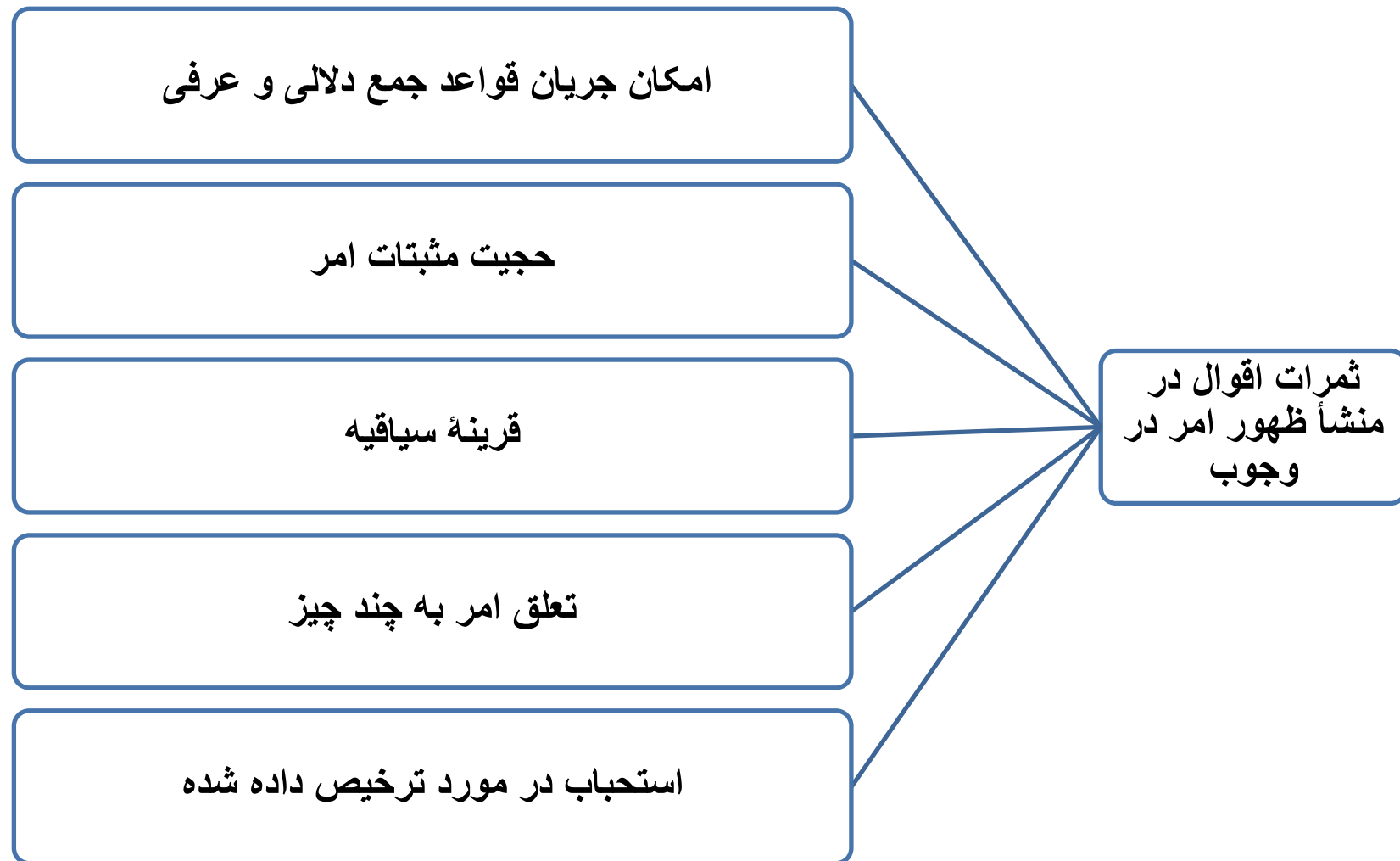
موضوع له هيات
امر

تحليل وجوب و استحباب









ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

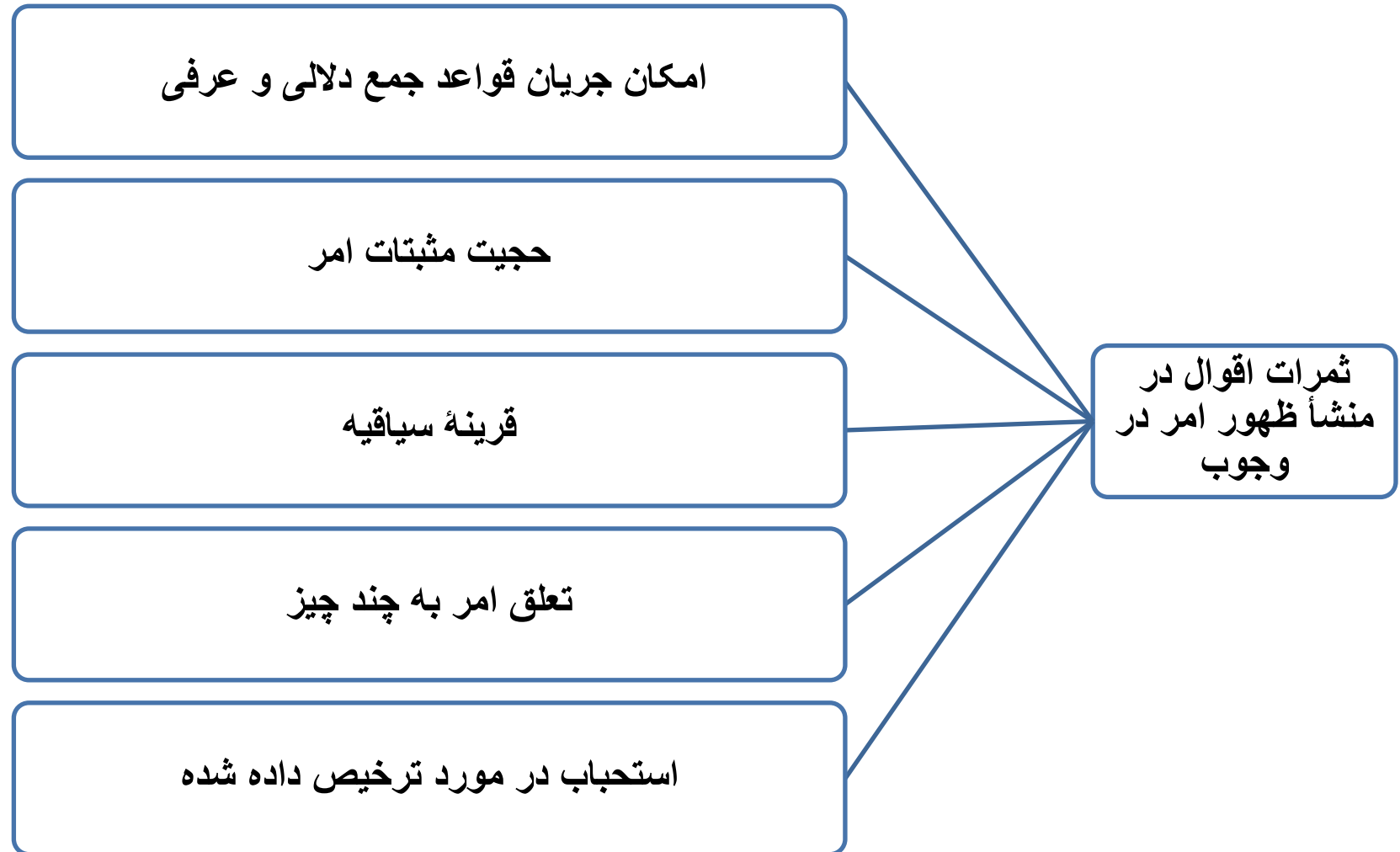
- ۱. امکان جریان قواعد جمع دلالی و عرفی
- بنا بر مسلک اول و چهارم و پنجم قواعد جمع دلالی و عرفی در بحث امر حاکم خواهد بود.
- مسلک اول یعنی نظریه مشهور می گوید امر برای وجوب وضع شده است.
- نظریه چهارم همان نظریه شهید صدر - رضوان الله علیه - و مرحوم آقا ضیاء عراقی است که می گوید امر به اطلاق بر وجوب دلالت می کند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- نظریة پنجم مختار ما بود که گفتیم امر بر وجوب دلالت می کند نه به اطلاق، بلکه به کمک وضع (دلالت التزامی).
- این سه نظر در این جهت با هم مشترک اند که به هر حال دلالت بر وجوب جزء دلالت های لفظی می شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما نظریة دوم و نظریة سوم به ترتیب، وجوب را حکم عقل و حکم عقلا معرفی می‌کنند. بنابراین از دایرة مدالیل لفظی خارج است.
- بنابراین قواعد جمع دلالی و قواعد جمع عرفی که در وادی مدالیل لفظی مطرح هستند در آن سه نظریة بخلاف نظریة اول دوم و سوم جاری‌اند. در این دو نظریه معیارهای احکام عقلی یا احکام عقلائی جاری می‌گردد.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

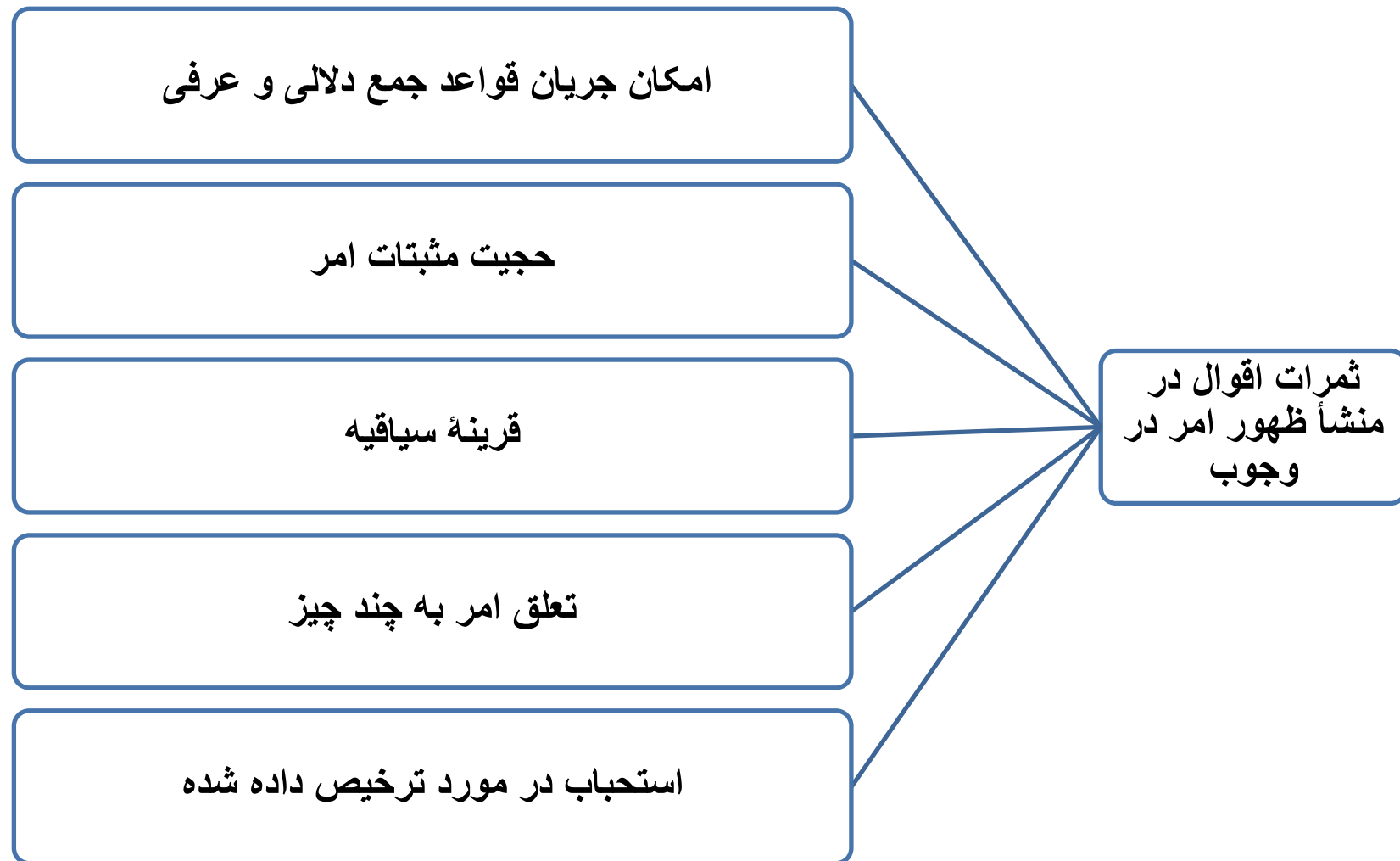
- ۲. حجیت مثبتات امر
- بنا بر نظریة اول، چهارم و پنجم، لوازم وجوب ثابت می شود؛ یعنی اگر خود وجوب یک لازمی داشته باشد، امر علاوه بر وجوب، آن لازم را هم ثابت می کند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می گوید فرض کنید ما از خارج می دانیم که دعا در اول ماه هنگام رؤیت هلال با دعا در آخر ماه به لحاظ محبوبیت و ملاک مساوی هستند؛ یعنی اگر یکی از این دو واجب است، آن دیگری هم واجب خواهد بود و اگر یکی از آن دو مستحب است، آن دیگری هم مستحب خواهد بود. حال با یک دلیلی ثابت کنیم که یکی از این دو واجب است؛ مثلاً شارع بگوید: «أدع عند رؤية الهلال يوم الأول من الشهر». بنا بر هر سه نظر می گوئیم امر «أدع» بر وجوب دلالت می کند. در اینجا با توجه به تساوی محبوبیت دعا در اول ماه با محبوبیت دعا در پایان ماه، لازمه آن وجوب یعنی وجوب دعای پایان ماه هم ثابت می شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما اگر وجوب حکم عقل یا حکم عقلا باشد، برای صدور حکم عقلی یا عقلائی باید احراز کرد موضوع حکم عقل و حکم عقلا تحقق پیدا کرده است در حالی که فرض این است که موضوع حکم عقل یا عقلا یعنی امر بدون ترخیص در ترک، در مورد دعا در پایان ماه محرز نیست؛ زیرا برای پایان ماه امری نداریم.
- در واقع طبق آن سه نظریه، این لازم، مثبت اماره محسوب می شود و مثبتات امارات حجت خواهند بود.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ۳. قرینه سیاقیه
- آیا قرینه سیاقیه تأثیری در ظهور امر در وجوب دارد یا خیر؟ مقصود از قرینه سیاقیه این است که چند امر در سیاق واحد وارد شوند. مثل اینکه مولا بفرماید: «إِغْتَسِلْ لِلْجُمُعَةِ وَ صَلِّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ وَ صُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ: روز جمعه غسل کنید و نماز جمعه بخوانید و ماه مبارک رمضان روزه بگیرید». در اینجا اگر می دانیم بعضی از این اوامر امر وجوبی نیستند؛ مثلاً می دانیم امر در مورد غسل جمعه وجوبی نیست، آیا این دانسته ما باعث می شود که ظهور بقیة آن اوامر در وجوب با تردید مواجه شود؟

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند اگر طبق مبنای مشهور صیغة امر برای وجوب وضع شده باشد (تمام موضوع له یا جزء آن)، در این صورت چون مولا در یک مورد موضوع له را اراده نکرده است، ظهور سایر موارد در وجوب را نمی توان پذیرفت.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- این بحث مبتنی است بر اینکه اصلاً قرینه سیاقیه را به عنوان قرینه قبول داشته باشیم و وحدت سیاق را قرینه بدانیم. مشهور فقها گفته‌اند که وقتی اوامر متعددی در سیاق واحد قرار بگیرند و مقصود از یکی از آن‌ها وجوب نباشد ظهور سایر اوامر در وجوب هم گرفتار اختلال می‌شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اگر مبنای مرحوم نائینی یا مبنای مرحوم آقا ضیاء حضرت امام را داشته باشیم، این اشکال پیش نمی آید؛ زیرا در برطبق این دو مبنا وجوب اصلاً مدلول لفظ نیست، بلکه حکم عقل است که موضوع آن عبارت است از امر به همراه عدم ترخیص در ترک.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ما سه امر در این عبارت داریم در مورد امر اول می دانیم ترخیص در ترک داریم اما در مورد امر دوم و سوم ترخیص در ترک معلوم نیست. بنابراین در اولی عقل به وجوب حکم نمی کند ولی در دومی و سومی چون موضوع حکمش تأمین است، به وجوب حکم می کند.
- همین بیان در نظریه حضرت امام - رضوان الله علیه - هم قابل تکرار است بدین صورت که موضوع حکم عقلا عبارت است از امر و عدم ترخیص در ترک. در فقرة اول ترخیص در ترک آمده است اما در دو فقرة دوم و سوم ترخیص نیامده است و چون موضوع حکم عقلا تأمین است، عقلا به وجوب حکم خواهند کرد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بنابر نظریه چهارم که مختار شهید صدر - رضوان الله علیه - بود، وضعیت به همین شکل است؛ زیرا امر در هیچ از یک از این سه امر در وجوب استعمال نشده است. حداکثر اطلاق این اوامر باعث می‌شد حمل بر وجوبی شوند. حال که می‌دانیم در فقره اول وجوب مراد نیست، در واقع قرینه‌ای داریم که ناقض اطلاق امر اول است اما اطلاق در امر دیگر همچنان به حال خود باقی است.*
- * اگر قرینیت سیاق افزون بر مراد استعمالی در حد مراد جدی هم باشد، بنا بر نظریه چهارم و پنجم هم مثل نظریه اول ظهور سایر اوامر مختل می‌شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- عین این بیانی که ایشان در مورد اطلاق فرمودند، در مورد نظریه مختار ما قابل تطبیق است؛ چون بنا بر آن نظریه هم وجوب هیچ وقت مستعمل فیه هیأت امر نیست، بلکه مدلول التزامی صیغه امر است. این مدلول التزامی در جایی که قرینه داریم متکلم آن را اراده نکرده است، از دایره مراد جدی خارج خواهد شد و اگر قرینه‌ای نبود، حکم می‌کنیم که در محدوده مراد جدی متکلم است. در اینجا نیز قرینه داریم که در امر اول، مدلول التزامی (وجوب) مراد نیست اما در امر دوم و سوم چنین قرینه‌ای نداریم و همچنان دلالتشان بر مدلول التزامی و حکم به اینکه این مدلول التزامی در محدوده مراد جدی است، به حال خود باقی است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

• این ثمره را شهید صدر - رضوان الله عليه - با فرض پذیرش قرینه سیاقیه مطرح کرده است و در واقع مماشات با مشهور است؛ زیرا مشهور گفتند قرینه سیاقیه داریم و وقتی یکی از این اوامر استحبابی است، بقیه را نمی توانیم حمل بر وجوب کنیم در حالی که هر دو مطلب مردود است. ما قرینه سیاقیه را نمی پذیریم؛ یعنی صرف اینکه چند امر در کنار هم قرار بگیرند، هیچ قرینیتی ندارد که مراد از همه آنها یا مستعمل فیه آنها یکی است. با فرض اینکه قرینه سیاقیه داریم، بیان ایشان قبول نیست؛ زیرا اینکه می دانیم امر اول در موضوع له (وجوب) استعمال نشده است، باعث نمی شود که در امر دوم و سوم أصالة الحقیقه جاری نشود. بنابراین حتی طبق مبنای مشهور هم این بحث تمام نیست و از این جهت با سایر مبانی در نتیجه فرقی ندارد.

• مباحث الأصول (الحائری) القسم ۱، ج ۲، ص ۵۴ - ۵۵.